روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۶۵۹ | دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ | ۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۰۵ |
غروب آفتاب: ۱۶:۵۷ | اذان مغرب: ۱۷:۱۸ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۰ | اذان صبح فردا: ۰۵:۴۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۱۳ |

یادداشت | جواد محرمی

## راجع به سینما
## ادعای سانسور و کف خیابان!

یک تهیه‌کننده سینما در یک گفت و گوی تفصیلی مدعی شده «بخش زیادی از آن حرف‌ها و گفت‌وگوها و دغدغه‌ها که در حوزه‌های نظری، فیلمسازهای اندیشمند دنبالش بودند تا فیلم آن را بسازند و جامعه را مطلع کنند، به دلیل آنکه جلوی آنها گرفته شد! الان به شکل هیجانی و کاذب در کف خیابان پخش شده‌است.»

از آنجا که به نظر می‌رسد اینگونه نظر دادن نوعی انحراف افکار عمومی از ریشه‌های فرهنگی است، این قلم لازم می‌بیند توضیحاتی درباره این ادعا و برداشت نادرست ارائه دهد، هر چند بدنه به اصطلاح کارشناسی سینمای ایران همواره ترجیح داده دنباله‌رو نظراتی باشد که بیشتر به بهانه شباهت دارد.

پیش‌فرض تهیه‌کننده محترم این است که سینمای ایران دچار سانسور است و لابد ریشه مشکلات این سینمای سیاه و تلخ و عصبی که همواره می‌کوشد تصویری افراطی و گزینش‌شده از جامعه ایرانی ارائه دهد و خود را در ژانر به اصطلاح اجتماعی و سبک واقعگرا محدود کند تا مخاطب بیچاره و بی‌پناه را به مرور دق دهد و به ورطه پریشانی بکشاند، ریشه در سانسور دارد و باز لابد اگر فیلمساز ایرانی مواجه با مسئله‌ای (بخوانید بهانه‌ای) چون سانسور نبود، الان ما از سینمایی پویا! مخاطب پسند! پر رونق! و پرشور! برخوردار بودیم که نه‌تنها در ایران که در سطح جهان دامنه مخاطب را درنوردیده‌بود و پیش می‌رفت!

مهدی کریمی که تهیه‌کنندگی فیلم «آژانس شیشه‌ای» را هم در کارنامه خود دارد، در پاسخ به این سؤال و ادعا که چرا پس از «آژانس شیشه‌ای» که از شاخص‌ترین فیلم‌های سینما با تمی سیاسی در دو دهه اخیر بوده، تحمل نقد سیاسی و اجتماعی در فیلم‌ها کاهش پیدا کرده و آیا نبود چنین نقدهایی اثراتی در وضعیت امروز جامعه گذاشته‌است، می‌گوید: «به نظرم دلیل ساخته نشدن این نوع فیلم‌ها بیشتر به خاطر کم‌تحملی و تنگ‌نظری در حوزه‌های تصمیم‌گیری است.»

به نظر می‌رسد تهیه‌کننده سینمای ایران در پیدا کردن ریشه مشکلات فرهنگی از جمله در سینما در حلقه همان کلیشه‌های مرسوم و نظرات تکراری و البته انحرافی گرفتار است. اینکه ریشه مشکلات را در سانسور بدانیم و آن را به عنوان یک مانع بزرگ‌نمایی کنیم، نشان از نگاهی سطحی به سینما دارد. خوب است کمی به عقب برگردیم، زمانی که ریشه مشکلات سینما را نبود نقدینگی و بودجه قلمداد می‌کردند، اما در سال‌های اخیر با تزریق پول‌های بزرگ به سینما و نمایش خانگی وضع کیفیت از قبل هم بدتر شد. تیغ به اصطلاح سانسور هم حالا نسبت به ابتدای انقلاب بسیار مسامحه‌کارتر شده‌است، اما کیفیت فیلم‌ها نه‌تنها ارتقایی پیدا نکرده‌است، بلکه به مراتب از زمان سختگیری‌های دهه ۶۰ که دوران طلایی سینمای ایران بود، نزول غیرقابل‌انکاری یافته‌است. البته این متن ابداً در حمایت از سانسور نیست، اما اینکه عده‌ای مدام ریشه افت سینمای ایران را در سانسور بدانند، قطعاً یک آدرس غلط است. اتفاقاً فیلمسازان بزرگ همواره با استفاده از هوش و درایت و خلاقیت فردی توانسته‌اند از محدودیت‌هایی که با نام سانسور به آنها دیکته شده‌است پلی برای موفقیت بسازند و از این طریق فرصت‌های تازه‌ای برای سینما رقم بزنند. سینمای امریکا در دوره موسوم به مک کارتیسم شاهد تولید بهترین آثار تاریخ سینما بوده‌است. دوره‌ای که چارلی چاپلین، آلفرد هیچکاک و دوجین از بزرگ‌ترین نام‌های جهان سینما بهترین آثارشان را ساخته‌اند، هر چند مقایسه فضای کار در سینمای ایران با دوران مک کارتیسم بلاوجه است، اما اگر فیلمساز ایران توان ساخت فیلم در شأن مردم ایران را ندارد، همان بهتر که اصلاً فیلم نسازد. نکته دیگر اینکه اساساً یکی از ریشه‌های اساسی بحران در سینمای ایران اتفاقاً جدی نگرفتن جایگاه تهیه‌کنندگی است. اگر سینمای ایران از تهیه‌کنندگانی خردمند، آگاه و متخصص بهره می‌برد، قطعاً حال سینمای ایران اینقدر بد نبود که با وجود این همه امکانات مادی و معنوی این اندازه خروجی نازل داشته باشد.

شعر

## همکاری ایران برای ساخت و تجهیز شهرک سینمایی در سوریه

**ایمن الاخرس، مدیرکل تبلیغات و اطلاع‌رسانی کشور سوریه در بازدید از موزه سینما بیان کرد که مقرر شد یک شهرک سینمایی مشترک با کمک ایران در سوریه بسازیم.**

به گزارش جوان به نقل از روابط عمومی موزه سینما، موزه سینمای ایران میزبان هیئتی از کشور سوریه بود.

ایمن الاخرس، مدیرکل تبلیغات و اطلاع‌رسانی کشور سوریه در بازدید از موزه سینمای ایران گفت: در مدت حضورم در ایران از شهرک سینمایی دفاع مقدس دیدن کردم، این شهرک برای ساخت فیلم‌های سینمایی تجهیزات بسیار خوبی دارد و طبق مذاکراتی که با رئیس سازمان سینمایی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی داشتیم، مقرر شد یک شهرک سینمایی مشترک با کمک ایران در سوریه بسازیم و برای ساخت از تجربیات ایران در این زمینه استفاده کنیم.

در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «آرام جان» با موضوع شهید حدادیان مطرح شد

# توبه یکی از دراویش گنابادی پس از مطالعه «آرام جان»

**مصطفی شاه کرمی**

**کتاب «آرام جان» داستان زندگی شهید حریم امنیت محمدحسین حدادیان به روایت مادرش است که از سوی انتشارات شهید کاظمی و به قلم محمدعلی جعفری، مترجم و نویسنده به رشته تحریر درآمده‌است. او معتقد است «آرام جان» بیشتر از آنکه یک داستان مستند باشد، یک مانیفست تربیت فرزند برای والدین است. جوان با این نویسنده گفت‌وگو کرده است.**

**شهید حدادیان جزو شهدای دهه هفتادی ماست و مظلومانه به شهادت رسید. در مورد خلق «آرام جان» و چگونگی شکل‌گیری ایده توضیحاتی بفرمایید.**

یک شخص چند باری به من پیامک داد که از مخاطبان آثارم است و بعد از مطالعه کتاب سربلند که در مورد شهید حججی نوشته بودم، ابراز تمایل کرد - به دلیل فضای نویسندگی بنده در مورد شهدا- تا زندگی شهید محمدحسین حدادیان را هم بنویسم! در واقع ایشان یکی از مخاطبینی بود که با خانواده شهدا ارتباط داشت و از طریق یک کانال تلگرامی که داشتم با من ارتباط گرفت. من به‌خاطر رونمایی از کتاب سربلند به تهران آمده بودم که یک نفر آمد و گفت من همان کسی هستم که آن پیشنهاد را به شما دادم، حالا اگر ممکن است من با والدین شهید حدادیان هماهنگ می‌کنم، با آنها صحبت کن و اگر دوست داشتی این کار را بنویسید. بعد از انجام هماهنگی‌ها توسط همان شخص، ما هم خدمت خانواده شهید رسیدیم و بعد از صحبت‌های مقدماتی تعدادی از آثارم را جهت مطالعه و آشنایی بیشتر آنها با قلم و نحوه نویسندگی‌ام تقدیم‌شان کردم، چون برایشان مهم بود چه کسی قرار است زندگی فرزندشان را بنویسد. البته ظاهراً قبل از من هم نویسندگان دیگری با آنها صحبت کرده بودند و به دلایلی که من اطلاع ندارم، مورد پذیرش آنها قرار نگرفته بودند. به هر حال بعد از دیدار و صحبت‌های ابتدایی اعلام موافقت کردند و کار شروع شد.

**کدام یک از آثارتان را به آنها معرفی کردید؟**

کتاب‌های قصه دلبری، عمار حلب، سربلند.

**با توجه به اینکه شما اهل یزد هستید و خانواده شهید حدادیان تهران ساکن هستند برای گرفتن مصاحبه و پژوهش‌های کار چه تدبیری کردید؟**

از آنجایی که منزل ایشان در نزدیکی حرم امامزاده علی‌اکبر چیذر تهران بود و پدر شهید حدادیان از خدمتگزاران همین امامزاده هستند، بعد از اعلام موافقت قرار شد من از یزد به تهران بیایم و در کنار حرم امامزاده یک جایی برای اسکانم در نظر گرفته شود که همین‌طور هم شد.

**در واقع برای نوشتن آن هجرت کردید؟**

بله، تمام مدت پژوهش و گرفتن مصاحبه‌ها که در دو یا سه مرحله یک هفته‌ای یا ۱۰ روزه به آنجا می‌رفتم و کارهای مربوط به نوشتن اثر را انجام می‌دادم.

**کتاب مشتمل بر روایت‌های والدین شهید است یا از دوستان و نزدیکان هم قصه‌هایی روایت شده است؟**

ابتدا قرار نبود کتاب به روایت مادر شهید باشد، اما بعد از انجام پژوهش‌ها و مصاحبه‌هایی که با رفقای شهید داشتم، سراغ اعضای خانواده رفتم. لابه‌لای مصاحبه‌هایی که با مادر شهید می‌گرفتم، دیدم که ایشان چقدر سوژه جذاب و ظرفیت ویژه‌ای هستند. در جمع‌بندی به این رسیدم که محور کتاب را خاطرات مادر شهید حدادیان بگذارم، به همین علت روی جلد کتاب هم قید شده که اثر از زبان مادر شهید حدادیان است.

**در واقع منظورتان این است که راوی اثر مادر شهید هستند و نویسنده ظهور و بروز دراماتیک یا قصه‌پردازانه ندارد؟**

راوی اصلی کتاب، شخص مادر شهید است و خود نویسنده هیچ دخالتی در کتاب ندارد، فقط یک جایی از روایت اتفاقات، چون مادر شهید شخصاً در آن مکان حضور نداشتند، مجبور شدم با افرادی که مثلاً حین حوادث حضور داشتند، صحبت کنم و بعد از آن، قصه را از زبان مادر روایت کردیم تا هم روایت یکدستی داشته باشیم و هم به نوعی تقاطع‌گیری در زمینه خاطرات و اتفاقاتی را که دوستان ایشان تعریف کرده بودند، انجام داده باشم.

**جعفری: در جمع‌بندی به این رسیدم که محور کتاب را خاطرات مادر شهید حدادیان بگذارم، به همین علت روی جلد کتاب هم قید شده که اثر از زبان مادر شهید حدادیان است**

**عنصر خیال‌پردازی و قلم نویسنده در این اثر در چه سطحی دیده می‌شود؟**

بالطبع من از عناصر داستانی و شیوه‌های هنری برای نوشتن اثر استفاده کرده‌ام، اما اصل اتفاقات و قصه همه مستند و دقیق هستند و هیچ دخل و تصرفی در آنها نشده است. البته بدیهی است که در مدل روایت از تکنیک‌های نویسندگی استفاده کنم. من سعی کردم از تکنیک روان‌نویسی که همان آوردن و پرداخت جزئیات است نهایت بهره را ببرم، به همین علت در بخش‌هایی از کتاب ما آنقدر با مادر شهید راجع به جزئیات صحبت کردیم که ممکن است مخاطب گمان کند در حال مطالعه یک داستان است، از این جهت که ما جزء به‌جزء رفتارها و اتفاقات را ذکر کردیم.

**سیر روایی کتاب به چه صورتی است؟**

روایت کتاب به صورت خطی است که از دوران نوجوانی مادر شهید شروع می‌شود و با شهادت شهید حدادیان به انتها می‌رسد.

**بازخورد مخاطبان در مورد «آرام جان» را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا به مورد ویژه یا خاصی در بین بازخوردهای مخاطبان برخورد داشته‌اید؟**

من در مورد آثار دیگرم هم سعی کردم بازخورد مخاطبان را بگیرم، خوشبختانه این اثر جزو کتاب‌هایی بود که تقریباً بالای ۹۵ درصد از کسانی که کتاب را خوانده بودند آن را خیلی دوست داشتند. البته این تجربه را من در مورد آثار دیگری مانند عمار حلب و قصه دلبری هم داشتم. یکی از دوستانم که اهل گناباد بود، یک ویدئویی برایم فرستاد که در آن یکی از اعضا و مریدان فرقه دراویش گنابادی بعد از مطالعه کتاب به شدت منقلب شده بود و در آن ویدئو می‌گفت بعد از ۱۴ سال و به لطف مطالعه این کتاب تازه فهمیدم چه اشتباهی کردم که عضو این فرقه شدم. اگر قرار باشد تأثیر کتاب «آرام جان» همین باشد برای من رضایت‌بخش است که توانسته‌ام یک نفر را نجات بدهم.

**در مورد وجه تسمیه کتاب هم توضیح بدهید.**

وقتی این ارتباط مادر و پسری که بین شهید حدادیان و مادرشان را متوجه شدم که خیلی به هم نزدیک و وابسته بودند و این احساس آرامشی که مادر ایشان داشته مرا مجاب کرد اسم کتاب را «آرام جان» انتخاب کنم، چون شهید حدادیان به معنای واقعی کلمه برای مادرش آرام جان بودند.

**با توجه به اینکه مابقی آثار شما هم در مورد شهداست، وجه تمایز این کتاب با دیگر آثارتان در چیست؟**

مخاطبان زیادی از من می‌پرسند که کدام کتابت را برای مطالعه پیشنهاد می‌دهی و من به مادرانی که به دنبال تربیت فرزندانشان هستند و این مسئله برایشان مهم است، اولین و بهترین گزینه را کتاب «آرام جان» می‌دانم، چون جدای از روایت زندگی شهید، یک اصول تربیتی خیلی خوبی در اثر وجود دارد که بین مادر و فرزند شکل می‌گیرد و مادرانگی و تربیت فرزند در آن برجسته است.

حکمت

امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

**افراد عیب‌دار، دوست دارند عیوب مردم را پخش کنند تا بهانه‌ای برای معایب خویش فراهم آورند.**

غررالحکم، ج۴، ص۳۴۰

نما | حسین کشتکار

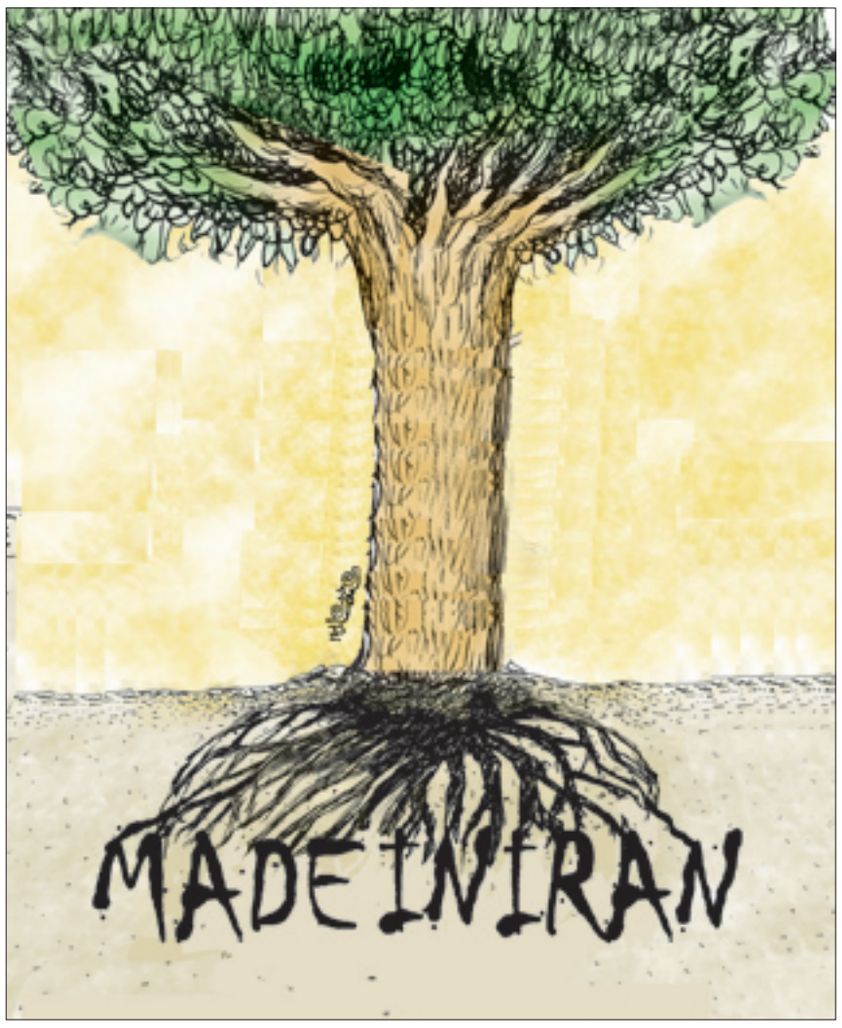


نمایش خانگی

## خون‌سرد، تهی از پیچیدگی‌های ژانر پلیسی

**در خون‌سرد، کارگردان بیشتر سرگرم خرده‌روایت‌ها شده و ازدیاد شاخ و برگ‌های اضافی به روند اصلی سریال صدمه وارد کرده است**

**افشین علیار**

در سریال‌هایی که در شبکه نمایش خانگی ساخته می‌شوند، عمدتاً از قسمت سوم به بعد دیگر خبری از خط روایی منسجم نیست، ویژگی ژانری سریال ۱۸ قسمتی خون‌سرد به کارگردانی امیرحسین ترابی، فدای بدیهیاتی شده که اساساً کارکردی مناسب برای جذب مخاطب ندارد، مخاطب امروز بهترین آثار پلیسی ایران و جهان را دیده است و حالا توقعش از چنین ژانری در سریال‌های ایرانی بالا رفته است. اگرچه طرح و پردازش روایی خون‌سرد بر اساس سریال‌های خارجی بنا شده، اما ترابی از تمهیدات لازم برای گسترش ایده‌اش چشم‌پوشی کرده، به همین دلیل آنچه در خون‌سرد دیده می‌شود یک روایت در خط صاف است، فارغ از پیچیدگی‌های مخصوص به ژانر، اساساً در ژانر جنایی باید هر قسمت شاهد یک اتفاق باشیم اتفاقی که باعث چیدمان قصه شود، اما در خون‌سرد کارگردان بیشتر سرگرم خرده‌روایت‌ها شده است.

در قسمت اول و دوم، سرگرد امیرعلی طلوعی به درستی نقش یک سرگرد آگاهی را بازی می‌کند و مخاطب فکر می‌کند برای اولین بار قرار است با یک سرگرد هوشمند مواجه شود، اما از قسمت چهارم به بعد خبری از طلوعی قسمت اول و دوم نیست، حتی در بعضی از قسمت‌ها در سکانس‌های ضروری هم دیده نمی‌شود. با اینکه بخش گسترده قصه باید از سمت او روایت شود، امیرعلی طلوعی می‌توانست زودتر از قسمت هجدهم به کسری شک و راز جنایت‌های او را برملا کند. با اینکه به او شک کرده بود، اما کارگردان صلاح دانسته قصه‌اش را کش و قوس دهد. قصه‌ای که فقط روایت می‌شود، فارغ از انگیزه‌های ژانری! سمت و سوی قصه در بلاتکلیفی به سر می‌برد و مشخص نیست دوربین باید امیرعلی را دنبال کند یا کسری را. اساساً در بیشتر قسمت‌ها کاری از دست امیرعلی ساخته نیست، ترابی حتی در پرورش شخصیت‌ها هم کم‌کاری کرده است. او کاراکتر کسری را طوری طراحی کرده که از شخصیت مثبت به خاکستری و منفی برسد. اینگونه شخصیت‌سازی اگرچه برای چنین ژانر و موقعیتی است، اما به بهترین شکل این فرایند را در فیلم و سریال‌های خارجی دیده‌ایم.

بنابراین شکل تغییر شخصیت کسری نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر ترابی سعی کرده علت قتل‌های کسری را در دوران کودکی‌اش واکاوی کند، اما این واکاوی باعث خرده‌پیرنگ‌های دیگر هم شده که وقت سریال را به شدت تلف کرده است و نتیجه‌اش نمی‌تواند در کلیت سریال تأثیری داشته باشد، جز ازدیاد شاخ و برگ‌های اضافی که روند اصلی سریال را کند کرده و به آن آسیب رسانده و هیچ کمکی به شناخت بیشتر کسری نکرده است. جالب است که حتی مهرنوش، همسر کسری که وکیل است، نمی‌تواند سر از کار کسری دربیاورد، اما منشی او به راحتی به کسری نزدیک می‌شود.

مهم‌ترین بخش خون‌سرد قسمت پایانی آن است که مانند آب بستن به قسمت انتهایی اغلب سریال‌ها مرسوم هم شده است. میزان شک امیرعلی با یک عکس قدیمی از ون زرد به کسری بیشتر می‌شود و مخفیگاه او را پیدا می‌کند که اساساً اگر در چند قسمت قبل او را تعقیب می‌کرد، زودتر به نتیجه می‌رسید. از سوی دیگر در قسمت پایانی آنقدر همه چیز سطحی‌تر از قسمت‌های میانی است که پایان سریال نمی‌تواند متقاعدکننده باشد. خون‌سرد می‌توانست یک سریال ۱۰ قسمتی باشد، اما سریال کش آمده بی‌آنکه علت خیلی مسائل پیدا شود، مثل مرگ شوهرخواهر کسری!

سکانس آخر هم خنده‌دار از کار درآمده است؛ یک گردان پلیس برای دستگیری کسری آمده‌اند و پنج دقیقه قدم زدن امیرعلی را باید ببینیم که کارگردان به خیالش از او یک قهرمان ساخته است. کارگردان سعی کرده یک سریال شیک بسازد، اما این نه کافی است و نه منطقی. در بازی‌ها شهرام حقیقت‌دوست توانسته تا جایی بازی خوبی ارائه کند، اما امیر آقایی در تکرار دست و پا می‌زند؛ درون‌گرا، سرد و تخت. خون‌سرد به شرط آنکه فیلمنامه کشش و پتانسیل لازم را برای روایت یک قصه جنایی-پلیسی به همراه داشت، می‌توانست سریال خوبی باشد.

سیاست فرهنگی

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس خبر داد

## طرح اقتصاد فرهنگ به دنبال حمایت از صنایع فرهنگی است

**طرح «اقتصاد فرهنگ» بر اساس حمایت از صنایع خلاق فرهنگی، گونه‌های متنوع صنایع‌دستی و توجه ویژه به وزارت میراث‌فرهنگی در دست بررسی است.**

غلامرضا منتظری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: اخیراً طرحی به نام «اقتصاد فرهنگ» در مجلس مطرح شده که بر اساس آن حمایت از صنایع خلاق فرهنگی، گونه‌های متنوع صنایع‌دستی و گردشگری و خانه‌های خلاق در دستور کار قرار می‌گیرد.

منتظری با بیان اینکه اگر هر کشوری مزیت‌های خود را بشناسد و آنها را قدر بداند گامی مؤثر در جهت اعتلا و پیشرفت خود برداشته‌است، گفت: یکی از مزیت‌های جمهوری اسلامی ایران الماسی به نام فرهنگ است که شامل گردشگری، صنایع‌دستی و میراث فرهنگی می‌شود. نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس با اعتقاد بر اینکه اگر بخواهیم اقتصاد کشور را از وابستگی به نفت نجات دهیم، بهترین گزینه جایگزین، گردشگری است، افزود: باید توجه داشت که چنین هدف مهمی یک شرط دارد آن هم این است که گردشگری را در وهله اول یک صنعت بدانیم.

منتظری با اشاره به اینکه ایران مواهب خداوندی و مفاخیر و مشاهیر بسیاری دارد، ادامه داد: این ویژگی‌های منحصربه‌فرد جمهوری اسلامی ایران پشتوانه‌های مهم فرهنگی برای کشور محسوب می‌شوند که باید قدر آنها را بدانیم.

وی همچنین با تأکید بر اینکه تنوع قومی در ایران اسلامی منجر به شکل‌گیری تنوع فرهنگی و تنوع فرهنگی نیز تنوع صنایع‌دستی را در کشور رقم زده است، اظهار کرد: جمهوری اسلامی ایران امروز مجموعه کاملی از مؤلفه‌های گردشگری را داراست که برای رشد و رونق بیش از پیش توجهی جدی را طلب می‌کند.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر لزوم توجه جدی به گردشگری، صنایع‌دستی و میراث فرهنگی کشور افزود: چتر حمایتی متولیان امر باید به گونه‌ای باشد که بر اساس آن دولت محور اصلی حمایت و مجلس محور اصلی قانونگذاری است.

این نماینده مجلس با اشاره به طرح‌های حمایتی مجلس شورای اسلامی از مجموعه گردشگری، صنایع‌دستی و میراث فرهنگی کشور ادامه داد: اخیراً طرحی به نام «اقتصاد فرهنگ» در پارلمان مطرح‌شده که در حال پیگیری آن هستیم و بر اساس آن حمایت از صنایع خلاق فرهنگی، گونه‌های متنوع صنایع‌دستی و گردشگری و خانه‌های خلاق در دستور کار قرار می‌گیرد. امروز برای همگان روشن است که اگر در این سه حوزه به خودکفایی برسیم از وابستگی اقتصاد به نفت رها می‌شویم و این خود گامی رو به جلو در جهت اعتلای کشور است.

دیدگاه

## بیش‌فعالی سایبری ضد انقلاب پس از بازداشت بازیگر صورتی‌پوش

**هادی عسگری**

با شروع ناآرامی‌ها و اغتشاشات، بخشی از چهره‌های هنری که در شبکه‌های اجتماعی مردم را دعوت به قانون‌شکنی می‌کردند یا به صورت علنی از اغتشاشات حمایت کرده‌اند، برای مدت کوتاهی بازداشت شدند. اغلب این چهره‌ها هم پس از چند روز آزاد شده‌اند، اما هیچ کدام از بازداشت‌های اخیر مانند بازداشت ترانه علیدوستی با واکنش تند و هیاهوی لشکر سایبری ضد انقلاب مواجه نشده‌است.

این حجم از تقلا برای آزادی یک بازیگر، عجیب و شبهه‌انگیز است و می‌تواند ناشی از ترس از کشف و افشای مواردی باشد که می‌تواند با ریشه‌های اغتشاشات اخیر مرتبط باشد وگرنه علیدوستی اولین چهره و شخص شهره‌ای نیست که بازداشت شده‌است.

تجمع چهره‌های سینماگر پشت در زندان اوین برای آزادسازی علیدوستی، پیش از این برای دیگر بازیگران بازداشتی اتفاق نیفتاده‌بود و همین موضوع هم بر مشکوک بودن این رفتارهای هیجانی می‌افزاید. در روزهای اخیر اتفاقاتی که در شبکه‌های مجازی پیش آمده می‌تواند تا حدی به پی بردن ریشه‌های این گونه اقدامات کمک کند. شبکه اجتماعی اینستاگرام، بلافاصله پس از اعلام بازداشت علیدوستی، صفحه وی را از دسترس خارج کرد! چرا باید بدون هیچ دلیلی یک صفحه با چند میلیون هوادار از دسترس خارج شود؟ مگر اینکه اینستاگرام از ارتباطاتی که علیدوستی از طریق این شبکه داشته با خبر و از ترس افشای آن بیمناک بوده‌است! اما واکنش عضو شناخته‌شده سازمان منافقین به بازداشت ترانه علیدوستی، یکی از سرنخ‌هایی است که این روزها درباره آن بحث‌های زیادی شده‌است. سروناز چیت ساز، در توئیتی می‌نویسد: «دستگیری خودسرانه خانم ترانه علیدوستی سینماگر ایرانی و دیگر هنرمندان را قویاً محکوم می‌کنم...» چرا این عضو شناخته‌شده منافقین حساب علیدوستی را از سایر بازداشتی‌ها جدا می‌کند و او را به طور ویژه مورد حمایت قرار می‌دهد؟! این روزها مطلبی درباره روابط خانوادگی ترانه علیدوستی منتشر شده که در صورت صحت می‌تواند با احساس خطر سازمان منافقین از بازداشت این هنرمند مرتبط باشد. گفته می‌شود عموی علیدوستی از جمله منافقینی است که به دلیل فعالیت‌های تروریستی اعدام شده‌است. همچنین گفته شده در دیدار ترانه با پسرعمویش در تورنتو در سال ۲۰۱۸، وی با رابط منافقین ملاقات می‌کند و از آن سال به بعد مواضع سیاسی خود را تغییر می‌دهد.

علیدوستی پیش از این نقش لیدر جنبش «من هم» (too me) ایرانی را هم بر عهده داشت و یکی از سران جنبش ۸۰۰ زن بود. او و همکارانش در این مدت بارها و بارها به هنرمندان مرد سینما تهمت‌های جنسی سنگینی وارد کردند و به رغم تلاش وزارت ارشاد و سازمان سینمایی برای پیگیری قضایی فساد اخلاقی ادعا شده، حاضر به همکاری نشدند و با انتشار بیانیه‌ای رسما دستگاه قضایی را فاقد صلاحیت رسیدگی به این ادعاها دانستند!

علیدوستی در جشنواره کن امسال هم در کانون توجه بود. او لباس صورتی به تن داشت که اگرچه در شبکه‌های اجتماعی با شوخی و تمسخر کاربران روبه‌رو شد، اما دلیل پوشیدن آن لباس با چنین رنگی به انقلاب زنانه‌ای که در ایران وعده داده شده‌بود، بی‌ربط نبود. همان‌طور که کمی بعد از آن «زر امیرابراهیمی» در مصاحبه‌ای نقشه را لو می‌دهد و اعتراف می‌کند که انقلاب به زعم او بعدی در ایران زنانه است!

ترانه علیدوستی برخلاف دیگر بازیگران زن بازداشت شده که اغلب چند روز پس از بازداشت آزاد می‌شدند، فعلاً در زندان اوین حضور دارد. در این مدت یکی از فعال‌ترین اکانت‌های ضد انقلاب در توئیتر دیگر مطلب جدیدی منتشر نکرده و اخباری از مدیریت آن اکانت از سوی علیدوستی به گوش می‌رسد. دیدار سال ۲۰۱۸ تورنتو برای علیدوستی گویا معانی فراتر از یک دیدار خانوادگی هم داشته‌است و اینک او به عنوان یک لیدر اغتشاشات و کسی که سرخط ارتباطی بین جریان خارج از کشور و داخل به شمار می‌رفته‌است، مورد ظن افکار عمومی قرار دارد. جریان ضد انقلاب خارج‌نشین به شدت روی حمایت سلبریتی‌های خارجی از آزادی علیدوستی حساب کرده‌اند و در اینباره شک و شبهه درباره اینکه علیدوستی صرفاً یک بازیگر یا فعال حقوق زنان نیست، بیشتر می‌شود.